

سرمقاله

دکتر رویا معتمدنژاد

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

ترجیح «آزادی بیان روزنامه نگاری» و حق دسترسی مردم به آرشیوهای دیجیتال رسانه ها بر حق فراموشی

اینجانب که سالیان درازی است، تدریس درس نظام حقوقی آزادی بیان را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی بر عهده دارم، اخیرا یکی از آراء دیوان اروپایی حقوق بشر که نهاد قضایی شورای اروپا (متشکل از عضویت ۴۷ دولت) به شمار می رود، توجه بنده را جلب کرد.

دیوان فوق الذکر که با تفسیر موسع از آزادی بیان (اصل ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰) و تفسیر مضیق از محدودیت های آن از نیمه دوم سال های ۱۹۷۰ به عنوان یکی از حامیان سر سخت آزادی بیان رسانه ها شناخته شده است، به مرور اضافاتی بر آن افزوده و از جمله، بر حق مطلع شدن مردم از وقایع و اطلاعات مربوط به منافع عمومی تاکید کرده است. اما از سال های ۲۰۰۷ به بعد شاهد سخت گیری و ایجاد محدودیت ها در زمینه آزادی بیان از سوی دیوان بودیم و بر ضرورت رعایت اخلاق حرفه ای از سوی رسانه ها پافشاری شدید داشته است. ۲ به طوری که رویکرد جدید دیوان، نگرانی شدیدی را در محافل حرفه ای، صنفی، آکادمیکی و غیره پدید آورده. حتی در سال ۲۰۰۸ همایشی به منظور بررسی این رویه جدید بر گزار شد.^۳

1 - Handysid c , GB, 1976

2 - Stoll C. Suisse, 10 dec. 2007

3 - Şm inaire a la cour europe nne des droits de l homme, Strasbourg, 10 oct. 2008, Şm inaire sur la protection de la libert d expression en Europe : Réflexions sur des tendances restrictives récentes

حال به نظر می رسد که اعتراضات به رویه دیوان، باعث شده است که روند محدود کننده فوق ادامه پیدا نکند، که این اقدام، یک پیروزی مجدد برای آزادی بیان رسانه ها و روزنامه نگاران است.

بررسی آراء صادره در سال های اخیر حاکی از این است که به غیر از موارد معدود، نهاد قضایی یاد شده همزمان که ضرورت رعایت وظایف و اخلاق حرفه ای در عرصه آزادی بیان را یاد آور می شود، به حمایت قوی از این آزادی می پردازد. مصداق آن یکی از آراء صادره در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۸ است. قضیه از این قرار بود که دو شهروند آلمانی که مراحل دادرسی را در سطح ملی طی کرده بودند، شکایت خود را مبنی بر این که حق بر زندگی خصوصی شان توسط چند رسانه آلمان نقض شده است، به دیوان فرستادند و در این زمینه بر اصل ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ استناد کردند. شاکیان که به دلیل محکومیت قبلی در آلمان شهره شده بودند، خواستار آن شدند تا مشخصات و داده ها و اطلاعات شخصی آنان از سایت های رسانه های مطرح شده، حذف گردند. اما دادگاه فدرال این کشور زیر بار دستور ممنوعیت نرفت.^۵

در نتیجه، دیوان اروپایی که به ایجاد «تعالیل صحیح»^۶ میان دو حق متضاد می پردازد، کوشید با در نظر داشتن حق بر زندگی خصوصی شاکیان (بر اساس اصل ۸ کنوانسیون) از یک طرف و حق بر آزادی بیان رسانه ها از سوی دیگر، و همچنین حق بر مطلع شدن مردم (بر اساس اصل ۱۰ کنوانسیون)، ارزیابی های لازم را انجام دهد. بالاخره رای صادره دیوان به دلایل زیر جالب توجه بود:

۱. اول از همه دیوان اروپا، به طور کامل استدلال ها و توجیهات دادگاه آلمان را تایید کرد و نظر داد که دولت آلمان (به واسطه دادگاه فوق) به «تعهدات و وظایف مثبتی» که در قبال حمایت از حق بر زندگی خصوصی شاکیان داشته عمل کرده است. در نتیجه همانند دادگاه یاد شده نظر می دهد که اصل ۸ (زندگی خصوصی) مورد نقض قرار نگرفته است. در واقع، دیوان تعادل صحیح را که قبلا توسط دادگاه آلمان انجام گرفته بوده را مورد تصدیق قرار می دهد.

4 -ML et WW c. Allemagne, 28.06.2018

5 - Cour Federale de Justice

6 - Un examen du Juste Equilibre a Menager

۲. در این رای، به موتورهای جستجو نیز اشاره شده است. اگرچه این موتورها که اخبار و اطلاعات منتشر شده توسط رسانه های سنتی را راحت تر از قبل در اختیار مردم می گذارند، اما نقش اصلی را رسانه ها ایفا می کنند، در حقیقت، موتورها تنها، اطلاعات منتشر شده را در بعد وسیع تر توزیع و پخش می کنند.
۳. موضوع مهم دیگر در رای صادره، برجسته کردن دوباره حق بر آزادی بیان رسانه ها و به دنبال آن حق دریافت اطلاعات توسط مردم است که قابل توجه است. گرچه بر ضرورت رعایت «هنجارهای اخلاقی و حرفه ای»^۷ دست اندرکاران رسانه ای اصرار شده، اما در مقابل به عناصر آزادی بیان رسانه ها تاکید فراوانی نسبت به گذشته شده است. به عبارتی، مفاهیمی همچون «آزادی روزنامه نگاری»^۸، (از جمله به معنای آزادی عمل روزنامه نگار، که او خود تعیین کند چه مطالب و نکاتی می توانند یا نمی توانند چاپ شوند)، حق مطلع شدن مردم نه تنها از وقایع و رویدادهای خبری روز ۹، بلکه حق جستجوی مردم در مورد وقایع و اتفاقات گذشته از جمله از طریق آرشیوهای دیجیتالی مطبوعات^{۱۰}، نقش و مشارکت رسانه ها در شکل گیری افکار ۱۱ دموکراتیک از جمله از طریق در دسترس قرار دادن آرشیو های قدیمی شان، نقش رسانه ها در مطرح ساختن «مباحث مربوط به منافع عمومی»^{۱۲} که گذر زمان از اهمیت آن ها نمی کاهد، پرهیز از اعمال فشار بر مطبوعات در راستای حذف اسامی افراد (چرا که خطر خود سانسوری را به همراه می آورد.) و غیره.
۴. در مورد حق بر رعایت زندگی خصوصی باید توجه داشت که در قضیه مورد اشاره دو شهروند آلمانی، که، به چندین سال زندان محکوم شده بودند، حتی خود آنان در گذشته اسناد و مدارکی را در اختیار رسانه ها تحویل داده بودند.

7 Normes éthiques et déontologiques de la profession

8 -liberté journalistique

9 -L'intérêt du public a t t re informe sur un y lnement d actualit

10 -Pouvoir faire des recherches sur des évènements passés notamment a l aide des archives numériques de la presse

11 - la mission des médias de participer à la formation de l'opinion démocratique

12 - D'p a t d intr t general

در نتیجه «امید مشروعی» ۱۳ که این دو شهروند داشته اند تا اسم و مشخصات شان از آرشیوهای دیجیتالی شده مطبوعات حذف شود و به این ترتیب حق بر فراموشی آنان محقق گردد، بسیار ضعیف بوده است. در نهایت حق مطلع شدن مردم از محتوای گزارش های آرشیوها شده دیجیتالی همراه با مشخصات دقیق دو شهروند فوق الذکر، بر حق بر زندگی خصوصی و حق بر فراموشی آنان ارجح قرار گرفت.

